

# کتاب دانیال - شماره بیست و دو

پرده برداری از بحث پیشگویانه: روش شناسی باران آخر و بحران نهایی

Jeff Pippenger

2023-12-17

روش شناسی ای که از سوی خدا مورد تأیید است، به طور مشخص در فصل های بیست و هشت و بیست و نه اشعیا معرفی شده است، جایی که این روش با عبارت «خط بر خط» بیان می شود. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته نیرومند فصل هجده مکاشفه فرود آمد و بدین سان فرودی را که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ انجام داده بود، تکرار کرد. در هر دو مورد، پس از فرود او، بابل ساقط اعلام شد و دعوتی صادر شد—و بزودی دوباره صادر خواهد شد—تا کسانی که هنوز در مشارکت با او هستند، بیرون آیند. در هر دو مورد، رویدادی که پیشگویی را تحقق بخشید، اثری جهانی داشت؛ زیرا همان گونه که پیام فرشته اول در سال ۱۸۴۰ به «هر ایستگاه میسیونری در جهان» رسانده شد، تمام جهان تحت تأثیر قرار گرفت و رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را درک کرد. پیشگویی ای که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تحقق یافت، پیشگویی ای بود که نشان می داد مهاری بر اسلام مربوط به وای دوم نهاده می شود، و بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مهاری بر اسلام وای سوم نهاده شد.

۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمایانگر قدرت یابی پیامی است که در سال ۱۷۹۸ در وقت انتها گشوده شد، و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمایانگر قدرت یابی پیامی است که در سال ۱۹۸۹ در وقت انتها گشوده شد. قاعده اصلی جنبش فرشته اول در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأیید شد و آن قاعده، اصل «یک روز به جای یک سال» بود. قاعده اصلی جنبش فرشته سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأیید شد؛ مبنی بر این که حقیقت با کنار هم نهادن «خط بر خط» اثبات می شود، و نشان می دهد که پایان به وسیله آغاز تصویر می شود و تاریخ تکرار می گردد. رویداد نبوی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نه تنها با سخنان مستقیم خواهر وایت اثبات می شود، بلکه مهم تر از آن به واسطه این واقعیت که آن رویدادها دقیقاً با همان نشانه راه در تاریخ جنبش میلر موازی بودند نیز اثبات می شود. آنچه با رخداد ۱۱ اوت ۱۸۴۰ مورد شناسایی قرار گرفت، نه چندان تحقق نبوت، بلکه بیش از آن، درستی روش شناسی اتخاذ شده از سوی میلر و همکارانش بود.

آن واقعه دقیقاً مطابق پیشگویی تحقق یافت. وقتی این خبر منتشر شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوت که میلر و یارانش پذیرفته بودند، متقاعد شدند و جنبش ظهور نیروی محرکه ای شگفت انگیز یافت. دانشمندان و صاحب منصبان با میلر همراه شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ این کار به سرعت گسترش یافت. نبرد عظیم، ۳۳۵.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که سنجش باران پسین آغاز گردید، «مجادله» بر سر روش صحیح یا ناصحیح بود و هنوز هم هست. نبوت های جنبش میلری بر هر دو نمودار ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ عرضه شده اند؛ نمودارهایی که خواهر وایت آن ها را طرح شده از سوی خداوند تأیید می کند و نیز آن ها را تحقق باب دوم حقوق می داند. پیام میلری ها که از طریق «اصول تفسیر نبوت ها که میلر و همراهانش پذیرفته بودند» پدید آمده بود و سپس «تحرك شگفت انگیزی» ایجاد کرد که به پیام ندای نیمه شب قدرت بخشید، بر آن دو نمودار مقدس بازنمایی شده بود. نبوت هایی که بر آن دو نمودار مقدس نمایش یافته بودند، به وسیله قواعد تفسیر نبوت میلر شناسایی و تثبیت شده بودند. آن نمودارها تحقق فرمان کتاب حقوق بودند مبنی بر اینکه نبوت هایی را که به روش شناسی میلر تثبیت شده بودند، به صورت دیداری بر «لوح ها»، به صورت جمع، بیان کنند. باب دوم حقوق، «مجادله» باب بیست و هفتم اشعیا را مشخص می کند و مستقیماً با آن مرتبط است.

بر نگرهبانی خود خواهم ایستاد، و بر برج جای خواهم گرفت، و مراقب خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون مؤاخذه شوم چه پاسخ خواهم داد. حبقوق ۱:۲

واژه «reproved» در آیه به معنای «با او مجادله شد» است. حبقوق، که نماینده دیدبانان جنبش فرشته اول و فرشته سوم بود، قرار بود با او مجادله شود و می‌خواست بداند هنگامی که بحث آغاز شود چه پاسخی باید بدهد. پاسخ در تاریخ فرشته اول، تهیه دو جدول مقدس بود، و پاسخ در تاریخ جنبش فرشته سوم، تدوین مجموعه نبوی با عنوان «دو لوح حبقوق» بود. آن جداول و آن مجموعه بر مبنای روش‌شناسی‌ای بنا شده بودند که در هر یک از آن تاریخ‌های مربوط نشان داده شده بود. در حبقوق، این روش‌شناسی نشان می‌دهد دیدبانان برای استوار کردن پیام از چه چیزی استفاده می‌کنند، و نیز موضوعی را که «مورد بحث» است مشخص می‌کند؛ امری که در نتیجه دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد.

بر دیده‌بانی خود می‌ایستم و بر برج جای می‌گیرم و می‌نگرم تا ببینم او با من چه خواهد گفت و چون توییخ شوم چه پاسخ خواهم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکارا بنگار تا رونده آن را بخواند. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد بود. اگرچه درنگ کند، در انتظارش باش؛ زیرا بی‌گمان خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک جان او که سربرافراشته است، در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زنده خواهد بود. حبقوق ۱:۲-۴.

یک گروه به وسیله ایمان عادل شمرده می‌شود و گروه دیگر در جان خود خود را برمی‌افزاد، چنان‌که فریسی و عشار نشان می‌دهند. فریسیان به روشی اعتماد داشتند که مبتنی بر رسم و سنت بود، و فریسی همچنین نماینده نظامی دینی بود که با اجرای سامانه‌ای سلسله‌مراتبی، تحت حاکمیت کسانی که خود را قوم برگزیده خدا و مدافعان حقیقت می‌خواندند، بر گله خود کنترل را حفظ می‌کرد، اما آنان در نهایت در به صلیب کشیدن حقیقت مشارکت کردند. «مناظره» نبوی اشعیا باب بیست‌وهفتم درباره روش‌شناسی کتاب مقدسی درست و نادرست است. طرف‌های مخالف در این «مناظره» عبارت‌اند از کسانی که روش ایلیا برای آن زمان را پی می‌گیرند، و نظام دیرپای صاحب‌نظران الهیاتی که نمونه‌اش در زمان مسیح سنهدرین بود.

فصل بیست‌وهفتم بیان می‌کند که «مجادله» از زمانی آغاز می‌شود که او «بازمی‌ایستد»، یا زمانی که خدا «باد تند خود» را در «روز باد شرقی» باز می‌دارد. «به اندازه، چون برآید، با آن مجادله خواهی کرد؛ او باد تند خود را در روز باد شرقی باز می‌دارد. پس به این سبب، گناه یعقوب کفاره خواهد شد.» واژه «پاک شدن» به معنای «کفاره شدن» است و نمایانگر زوده‌شدن گناه در داوری تحقیقی است. روشی که بر سر آن مجادله می‌شود، نمایانگر آزمونی است که باید از آن گذر کرد، اگر قرار است گناهان قوم خدا زوده شوند. روش ایلیا به‌عنوان یک آزمون، در تاریخ مسیح بازنمایی شده است؛ جایی که از پیش به ما هشدار داده شده بود که در آن زمان، کسانی که پیام یحیی تعمیددهنده را—که مسیح او را ایلیا خواند—رد کردند، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند.

پیام باران پسین به‌عنوان تعالیم عیسی معرفی می‌شود، زیرا او کلمه است؛ و علاوه بر این، باران پسین به‌عنوان «تجدید نیرو» معرفی می‌شود که تعریف آن «حضور خداوند» است.

پس توبه کنید و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد، هنگامی که اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را که پیش‌تر به شما بشارت داده شده بود، خواهد فرستاد. اعمال رسولان ۱۹:۳، ۲۰

خواهر وایت تصریح می‌کند که فرشته‌ای که در مکاشفه باب ده، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرود آمد، "کمتر از خود عیسی مسیح نبود." بنابراین فرشته‌ای که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد نیز "کمتر از خود عیسی

مسیح نبود. " نزول او در هر یک از این دو تاریخ، آغاز "مجادله" نبوی بر سر روش‌شناسی درست یا نادرست را مشخص می‌کند، زیرا این امر با کتابی که در دست اوست و به قوم خدا فرمان داده شد آن را بخورند، نمایانده می‌شود. هنگامی که در جلیل بود، عیسی به شاگردان تعلیم داد که باید گوشت او را بخورند و خون او را بنوشند، زیرا در آنجا اظهار کرد که او نانی است که از آسمان نازل شده است. او در آنجا بیش از هر نقطه دیگری از خدمت خود شاگردان را از دست داد، و آنان که رفتند هرگز بازنگشتند. آنان که رفتند، چنین کردند چون برگزیدند که تعالیم او را با روش‌شناسی نادرست گرفتن سخنانش به معنای تحت‌اللفظی تحلیل کنند، به‌جای آنکه آنها را در معنای صحیح روحانی به کار گیرند. "مجادله" اشعیا باب بیست‌وهفتم، نشانه‌ای نبوی است که چندین شاهد دارد تا ثابت کند که نمایانگر یک نظام تفسیری جاافتاده و ادعایی کتاب مقدس است که در تقابل با روش‌شناسی‌ای قرار دارد که پیام‌آور ایلیا نمایندگی می‌کند.

این، نقطه‌ای مشخص را در روند کنار گذاشته شدن تدریجی عهد پیشین و قوم برگزیده خدا نشان می‌دهد و آغاز رابطه عهدی با کسانی را رقم می‌زند که «در زمان‌های گذشته، قوم خدا نبودند». «بحث»، مهم‌تر از آن، آغاز دوره‌ای را نمایان می‌کند که با قانون نزدیک‌الوقوع روز یکشنبه پایان می‌یابد. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد و بدین‌سان، خود همین «بحث» به نمادی از یکی از گناهان پدرانمان تبدیل می‌شود؛ گناهی که باید به آن اذعان و اعتراف شود تا دعای لاویان باب بیست‌وشش تحقق یابد.

دعای دانیال در فصل نهم، نمایانگر دعایی است که باید در پایان سه روز و نیم مکاشفه یازدهم خوانده شود. آن دوره زمانی در اشعیا باب بیست‌وهفتم چنین تصویر شده است: «شهر مستحکم ویران خواهد شد و مسکن ترک خواهد شد و همچون بیابان واگذاشته می‌شود؛ در آنجا گوساله خواهد چرید و همان‌جا خواهد آرمید و شاخه‌هایش را خواهد خورد. وقتی شاخه‌هایش پژمرده شوند، شکسته و جدا خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آن‌ها را به آتش می‌کشند؛ زیرا قومی بی‌فهم است؛ پس آن‌که ایشان را آفرید بر آنان رحم نخواهد کرد و آن‌که ایشان را شکل داد هیچ لطفی به آنان نشان نخواهد داد.»

به دو شاهد "هیچ لطفی" نشان داده نمی‌شود، زیرا آنان پیشگویی نادرستی را اعلام کردند که دوره "بیابان" سه روز و نیمه را آغاز کرد. سپس آنان به "قوم بی‌فهم" بدل شدند، هرچند پیش‌تر "شهر مستحکم" بودند. آن شهر سپس "ویران" شد و به "مسکنی" که "متروک" بود بدل گردید. آن به استخوان‌های خشک و مرده‌ای تبدیل شد که در خیابان شهر سدوم و مصر افتاده بودند. آنگاه که مردگان فراخوانده می‌شوند تا برخیزند، به سبب گناهان پدرانشان آزموده می‌شوند که شامل "جدل" در آغاز دوره‌ای است که با قدرت‌یافتن پیام نخست شروع می‌شود و با آمدن پیام سوم پایان می‌یابد. این جدل بر سر این است که آیا روشی را که ایلیای تاریخشان نمایندگی می‌کند بپذیرند یا رد کنند. در سال ۱۸۶۳، پیشگامان ادونتیسیم پیام "هفت بار" موسی را که توسط ایلیا ارائه شده بود، رد کردند.

از ژوئیه ۲۰۲۳ به بعد، شاخه‌های خشکیده اشعیا باب بیست‌وهفت باید تصمیم بگیرند که آیا گناهان کلیسای جلیل و رویدادهای سال ۱۸۶۳ و نیز رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را تکرار خواهند کرد یا نه. رد کردن روش‌شناسی‌ای که در حقوق باب دو و اشعیا باب بیست‌وهفت، و نیز به وسیله ایلیا، یحیای تعمیردهنده و ویلیام میلر نمایان شده است، به معنای تکرار گناهان پدران ماست، به‌جای آنکه از نمونه‌های مقدسی که برای کسانی که پایان‌های عالم بر ایشان آمده است ثبت شده‌اند، بهره‌مند شویم.

اکنون این همه وقایع برای آنان به‌عنوان نمونه رخ داد؛ و برای اندرز ما نوشته شد، ما که پایان‌های جهان بر ما فرارسیده است. پس هر که می‌پندارد ایستاده است، مواظب باشد مبدا بیفتد. هیچ وسوسه‌ای بر شما چیره نشده جز آنچه برای انسان معمول است؛ اما خدا امین است و نخواهد

گذاشت فراتر از توانتان وسوسه شوید، بلکه با همان وسوسه نیز راه گریزی فراهم می‌کند تا بتوانید آن را تاب آورید. پس ای عزیزان من، از بت‌پرستی بگریزید. با شما چون خردمندان سخن می‌گویم؛ درباره آنچه می‌گویم خود داوری کنید. اول قرن‌تین ۱۰-۱۱-۱۵.

روش مقدس، پیام فریاد نیمه‌شب را، که همان پیام باران پسین است، تثبیت می‌کند. آن پیام، وقتی به‌طور روحانی خورده شود، به همان یقینی تجربه‌ای متناظر پدید می‌آورد که خوراک بقولات دانیال و سه یار وفادارش، چهره‌ای نیکوتر و فربه‌تر پدید آورد. اما در حقوق باب دوم، سنگ لغزش آنان که پیشنهاد عادل‌شمردگی به وسیله ایمان را رد می‌کنند، غرور است؛ غروری که نمی‌گذارد در شناخت خداوند پیش بروند. اگر زمانی باشد که قوم خدا نتوانند کار پذیرفتن روش حقیقی و خوردن پیام از دست فرشته را به تعویق بپردازند، همان اکنون است!

نباید منتظر باران آخر بمانیم. آن بر همه کسانی خواهد آمد که شبینم و رگبارهای فیضی را که بر ما می‌بارند بشناسند و از آن بهره گیرند. وقتی پرتوهای نور را گرد می‌آوریم، وقتی رحمت‌های یقینی خدا را که دوست دارد به او توکل کنیم، قدر می‌دانیم، آنگاه هر وعده‌ای تحقق خواهد یافت. «زیرا همان‌گونه که زمین جوانه خود را بیرون می‌آورد و باغ آنچه را که در آن کاشته شده است می‌رویاند، همچنین خداوند خدا عدالت و ستایش را در برابر تمامی امت‌ها خواهد رویانید.» اشعیا ۶۱:۱۱. تمام زمین از جلال خدا پر خواهد شد. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۸۴.

کلام نبوتی خدا مشخص کرده است که وقتی ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریختند، فرشته باب هجده مکاشفه فرود خواهد آمد و «مکاشفه باب هجده، آیات یک تا سه تحقق خواهد یافت.» کتاب اشعیا باب بیست‌وهفت آن زمان را «روز باد شرقی» می‌نامد، و آن وقتی است که «باد تند» مهار می‌شود. «به اندازه، وقتی که سر برآورد، با آن مجادله خواهی کرد؛ او باد تند خود را در روز باد شرقی بازمی‌دارد.» خواهر وایت نیز همان زمان را مشخص می‌کند.

در آن زمان، در حالی که کار نجات رو به پایان است، مصیبت بر زمین خواهد آمد و ملت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار می‌شوند تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران آخر»، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، استوار بایستند. نوشته‌های نخستین، ۸۵.

قدرتی که ملت‌ها را به خشم می‌آورد، هم‌زمان با آغاز بارش باران پسین فرا رسیده. اما به محض آن که آن قدرت ملت‌ها را به خشم آورد، بازداشته شد، زیرا اشعیا نوشته است که او «باد سخت خود را بازمی‌دارد». باد سخت همان باد شرقی است و آن باد، هنگامی بازداشته می‌شود که باران پسین آغاز به باریدن می‌کند و کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود. کار پایانی نجات، زمان مهر زدن است. «خط بر خط»، آن باد سخت، یا باد شرقی، که در دوران مهر زدن صد و چهل و چهار هزار نفر بازداشته می‌شود، همان چهار باد مکاشفه، باب هفتم است.

و پس از اینها دیدم که چهار فرشته بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را نگه می‌داشتند تا مبادا بادی بر زمین یا بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. و فرشته دیگری دیدم که از مشرق بالا می‌آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و با آواز بلند به آن چهار فرشته‌ای که به آنان داده شده بود به زمین و دریا آسیب برسانند، ندا داد و گفت: «نه به زمین و نه به دریا و نه به درختان آسیب نرسانید تا زمانی که بندگان خدای خود را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم.» مکاشفه ۷:۱-۳

ورود پیروزمندان مسیح به اورشلیم نمادی از مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر بود. در آنجا مسیح، برای نخستین و آخرین بار در زندگی‌اش، بر الاغی سوار شد (نمادی از اسلام) و لازاروس رهبری

آن دسته مشایعت‌کننده به اورشلیم را بر عهده داشت. خواهر وایت لازاروس را نماد مهر در آن تاریخ می‌داند.

در به تعویق انداختن آمدنش نزد لعازر، مسیح مقصودی رحمت‌آمیز نسبت به کسانی داشت که او را نپذیرفته بودند. او درنگ کرد تا با زنده کردن لعازر از میان مردگان به قوم سرسخت و بی‌ایمان خود گواهی دیگری بدهد که او واقعاً «رستاخیز و حیات» است. او بی‌میل بود که همه امید نسبت به قوم، آن گوسفندان فقیر و سرگردان خانه اسرائیل، را رها کند. دلش به سبب توبه‌ناپذیری آنان می‌شکست. در رحمت خود قصد کرد به آنان یک گواهی دیگر بدهد که او احیاگر است، آن یگانه‌ای که می‌تواند حیات و جاودانگی را به نور آورد. این قرار بود گواهی‌ای باشد که کاهنان نتوانند آن را سوءتعبیر کنند. این علت تأخیر او در رفتن به بیت‌عنیا بود. این معجزه نهایی، زنده کردن لعازر، قرار بود مهر خدا را بر کار او و بر ادعای الوهیتش بزند. آرزوی اعصار، ۵۲۸، ۵۲۹.

دوره درنگی که از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز شد، با درنگ مسیح پیش از آن که لعازر را زنده کند نمایانده می‌شود. دوره درنگ فصل یازدهم مکاشفه، در پایان سه روز و نیم به پایان می‌رسد. در آن روزها دو شاهد بی‌جان در خیابان افتاده بودند. و همان‌گونه که لعازر پس از یک دوره درنگ قرار بود برانگیخته شود، دو شاهد یوحنا نیز چنین بودند. پس از رستاخیز، آنان رهبری حرکت آیینی به سوی اورشلیم را بر عهده می‌گیرند و نمایانگر «مهر خدا» و «معجزه تاج‌گذار» اند که بر الوهیت مسیح شهادت می‌دهد. این رستاخیز پایان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را نشان می‌دهد؛ امری که در زمانی رخ می‌دهد که چهار باد—باد شرقی، باد سخت—که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید، در مهار نگاه داشته می‌شود.

در آن ساعتی که همان قانون یکشنبه است، آن بادها رها می‌شوند تا داوری تلافی‌جویانه‌ای را بر وحش زمین مکاشفه، باب سیزدهم، بیاورند. آنها اکنون حتی از لابه‌لای انگشتان آن چهار فرشته که در دوران مهرکردن آنها را باز می‌دارند، می‌لغزند. یکی از ژرف‌ترین اشارات در روح نبوت که به روز باد شرقی مربوط می‌شود، در «شهادت‌ها»، جلد نهم، یافت می‌شود. آن جلد سخنان الهام‌شده را در صفحه یازده آغاز می‌کند؛ پس به‌طور نمادین با «نه-یازده» آغاز می‌شود. عنوان فصل «بحران نهایی» است، اما این فصل همچنین نخستین فصل بخشی با عنوان «برای آمدن پادشاه» است.

هیچ نشانه‌ای در دست نیست که بخش و عنوان فصل عمداً از سوی ویراستارانی که این مجلد را تدوین کرده‌اند دستکاری شده باشد؛ با این همه، آمدن پادشاه به‌راحتی به‌منزله آمدن داماد شناخته می‌شود؛ و در مثل ده باکره، این رخداد همراه با بحران نیمه‌شب واقع می‌شود؛ بحرانی که در خود باکره‌ها به سبب وجود یا فقدان روغن در ظرف‌هایشان پدید می‌آید. بحران نیمه‌شب که اکنون فرا می‌رسد، همان‌گونه که عنوان نشان می‌دهد، آخرین بحران برای ده باکره است. در آن بحران آشکار می‌شود که آیا آنان روغن دارند یا ندارند. روغن صرفاً روح‌القدس نیست؛ به‌طور دقیق به‌عنوان روح‌القدس تعریف می‌شود، و نیز به‌عنوان پیام صحیح، و نیز به‌عنوان منش درست.

روش‌شناسی درست، پیام درست فریاد نیمه‌شب را تعیین می‌کند و آن پیام، اگر دریافت شود و به آن عمل گردد، شخصیت درست را پدید می‌آورد. همان شخصیت در بحران نهایی، شخصیتی است که مهر خدا را دریافت می‌کند. فرایند مهرزدن قوم خدا با فرارسیدن روز باد شرقی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. آنگاه پیام آن زمان باید خورده می‌شد. خوردن یا نخوردن با «بحث» اشعیا نمایانده شده است، و نیز با پرسش حقوق درباره اینکه دیدبانان در آن مجادله چه پاسخی باید بدهند. زمان درنگ متی بیست‌وپنج و حقوق با به‌تصویر کشیده شدن دو دسته پرستندگان پایان می‌یابد. زمان درنگ، که در مکاشفه باب یازدهم با سه‌ونیم روز نمایانده شده است، تقریباً به پایان رسیده است.

آن زمان تأخیر همچنان در آغاز فصلی در جلد نهم با قطعه‌ای از کتاب عبرانیان بازنمایی شده است؛ جایی که پولس آیه چهارم باب دوم حقوق را به صورت آزاد نقل می‌کند. ارجاع پولس، باب دوم حقوق را در جنبش فرشته سوم قرار می‌دهد، زیرا در همان تاریخ بود که مسیح وارد قدس‌الاقداص شد، و در همان تاریخ نور خدمت کهنات اعظم او آشکار گردید، و در کتاب عبرانیان است که پولس روشن‌ترین مکاشفه از خدمت کهنات اعظم مسیح را در کلام خدا آشکار می‌کند.

در جنبش فرشته اول، حقوق باب دوم هنوز حرکت مسیح به قدس‌الاقداص را به رسمیت نشناخته بود، زیرا این امر تا پایان اعلام فریاد نیمه‌شب رخ نداده بود. زمان درنگی که پولس به آن اشاره می‌کند، همان زمان درنگ حقوق و متی است، اما همان زمان درنگی است که قرار بود از 18 ژوئیه 2020 آغاز شود. آیه پایانی باب دوم حقوق نمایانگر پایان فریاد نیمه‌شب در تاریخ جنبش میلریتی و رسیدن فرشته سوم است:

اما خداوند در هیکل مقدس خود است: تمام زمین در حضور او خاموش باشد. حقوق ۲:۲۰.

شهادت، جلد نهم، از صفحه یازده (۹-۱۱)، بر مثل ده باکره، زمان درنگ و پیوند آن با حقوق و متی، و نیز بحران نهایی و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زمانی که بحث نبوی آغاز شد، تأکید می‌کند.

بخش ۱- برای آمدن پادشاه

«هنوز اندکی دیگر، و آن که باید بیاید، خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد.» عبرانیان ۱۰:۳۷

آخرین بحران

ما در زمان پایان زندگی می‌کنیم. نشانه‌های روزگار که به سرعت تحقق می‌یابند اعلام می‌کنند که آمدن مسیح نزدیک است. ایامی که در آن زندگی می‌کنیم، ایامی خطیر و مهم‌اند. روح خدا به تدریج اما به طور یقین از زمین بازیس گرفته می‌شود. بلایا و دآوری‌ها هم‌اکنون بر خوارشمارندگان فیض خدا فرو می‌ریزند. مصیبت‌ها در خشکی و دریا، نابسامانی جامعه، و هشداری‌های جنگ، همگی نشانه‌هایی هشداردهنده‌اند. آنها از رویدادهای بسیار عظیمی که در شرف وقوع‌اند خبر می‌دهند.

عوامل شر نیروهای خود را یکجا کرده و صفوف‌شان را تحکیم می‌کنند. آنها برای آخرین بحران بزرگ در حال تقویت خود هستند. به زودی دگرگونی‌های بزرگی در جهان ما رخ خواهد داد و رویدادهای پایانی به سرعت روی خواهند داد.

وضع امور در جهان نشان می‌دهد که روزگار پراشوبی درست بر سرمان است. روزنامه‌ها سرشار از نشانه‌های نبردی هولناک در آینده‌ای نزدیک‌اند. سرقت‌های جسورانه به‌طور مکرر رخ می‌دهد. اعتصاب‌ها رایج‌اند. دزدی‌ها و قتل‌ها از هر سو صورت می‌گیرند. مردان چن‌زده جان‌مردان، زنان و کودکان خردسال را می‌گیرند. مردم شیفته زذیلت شده‌اند و هر گونه شری چیره است.

دشمن در منحرف کردن عدالت و پر کردن دل‌های مردم از میل به کسب منفعت شخصی موفق شده است.

«عدالت از دور ایستاده است؛ زیرا راستی در کوچه به زمین افتاده و انصاف راه نمی‌یابد.» اشعیا ۵۹:۱۴. در شهرهای بزرگ، انبوهی از مردم در فقر و تیره‌روزی زندگی می‌کنند و کمابیش از خوراک، سرپناه و پوشاک بی‌بهره‌اند؛ حال آن‌که در همان شهرها کسانی هستند که بیش از آنچه دل بخواهد دارند و در ناز و نعمت می‌زیند و پول خود را صرف خانه‌های مجلل و آراسته، آرایش و زینت شخصی، و بدتر از آن، ارضای شهوات، مشروب، دخانیات و چیزهای دیگری می‌کنند که توان مغز را تباه می‌سازند، ذهن را از تعادل می‌اندازند و روح را خوار می‌کنند. فریادهای بشریت

گرسنه به پیشگاه خدا بالا می‌روند، در حالی که مردم با هر گونه ستم و اخاذی ثروت‌های هنگفت می‌اندوزند.

یک بار، هنگامی که در شهر نیویورک بودم، در هنگام شب فراخوانده شدم تا ساختمان‌هایی را ببینم که طبقه پشت طبقه به سوی آسمان بالا می‌رفتند. تضمین شده بود که این ساختمان‌ها ضدحریق‌اند، و آن‌ها را برای جلال دادن صاحبان و سازندگانشان برپا کرده بودند. این ساختمان‌ها بالاتر و باز هم بالاتر قد می‌کشیدند، و در آن‌ها گرانبهاترین مصالح به کار رفته بود. کسانی که این ساختمان‌ها به آنان تعلق داشت از خود نمی‌پرسیدند: «چگونه می‌توانیم به بهترین وجه خدا را جلال دهیم؟» خداوند در اندیشه‌هایشان نبود.

"با خود اندیشیدم: 'ای کاش آنان که بدین‌گونه اموال خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند، مسیر خود را چنان‌که خدا می‌بیند، می‌دیدند! آنان پشت سر هم بناهای باشکوهی برپا می‌کنند، اما برنامه‌ریزی و تدبیرشان در نظر فرمانروای جهان هستی تا چه حد نابخردانه است. آنان با همه توان دل و ذهن خود در این نمی‌کوشند که چگونه می‌توانند خدا را جلال دهند. آنان این را، که نخستین وظیفه انسان است، از نظر دور داشته‌اند."

همزمان با برپا شدن این ساختمان‌های رفیع، مالکانشان با غرور جاه‌طلبانه شادمان بودند که پولی دارند تا آن را صرف ارضای نفس و برانگیختن حسادت همسایگان کنند. بخش بزرگی از پولی که بدین‌سان سرمایه‌گذاری کردند از راه اخاذی، از راه ستم بر تهیدستان به دست آمده بود. آنان فراموش کردند که در آسمان حساب هر معامله‌ای نگه داشته می‌شود؛ هر معامله ناعادلانه، هر عمل فریبکارانه، همان‌جا ثبت است. زمانی فرا می‌رسد که مردم در تقلب و گستاخی به نقطه‌ای می‌رسند که خداوند اجازه نمی‌دهد از آن فراتر روند، و خواهند دانست که بردباری یهوه حدی دارد.

صحنه بعدی که پیش چشم گذشت، هشدار آتش‌سوزی بود. مردم به ساختمان‌های بلندمرتبه و ظاهراً ضدحریق نگاه کردند و گفتند: «آن‌ها کاملاً ایمن‌اند.» اما این ساختمان‌ها چنان طعمه آتش شدند که گویی از قیر ساخته شده بودند. هیچ کاری از دست ماشین‌های آتش‌نشانی برای مهار این ویرانی بر نمی‌آمد. آتش‌نشانان نتوانستند ماشین‌ها را راه بیندازند. شهادت‌ها، جلد ۹، صفحات ۱۱ تا ۱۳.

«بحث»ی بر سر روش‌شناسی که در آغاز دوره‌ای که فصل اول دانیال نماینده آن است رخ داد، و نیز در فصول یک تا سه دانیال، و در تاریخی که از 11 اوت 1840 آغاز شد، و در تاریخ فصل ششم یوحنا در بحران جلیل، و در تاریخ 11 سپتامبر 2001 (تا 18 ژوئیه 2020) نماینده شده است، اکنون دوباره تکرار می‌شود؛ نه در کل ادونتیسیم، بلکه در میان استخوان‌های خشک و مرده‌ای که به وسیله یک «صدا» که در بیابان فریاد می‌زند از رخوت خود برانگیخته می‌شوند.

در مقاله بعدی‌مان به بررسی روش‌شناسی «باران پسین»، آن‌گونه که در فصل‌های بیست‌وهشت و بیست‌وننه کتاب اشعیا بازنمایی شده است، خواهیم پرداخت.

و نیز آواز خداوند را شنیدم که می‌گفت: چه کسی را بفرستم و کیست که برای ما برود؟ آنگاه گفتم: اینک منم؛ مرا بفرست. و او گفت: برو و به این قوم بگو: هرچند واقعاً می‌شنوید، نمی‌فهمید؛ و هرچند واقعاً می‌بینید، در نمی‌یابید. دل این قوم را کند کن، گوش‌هایشان را سنگین ساز و چشمانشان را ببند؛ مبادا با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگردند و شفا یابند. آنگاه گفتم: ای خداوند، تا چه مدت؟ پاسخ داد: تا وقتی که شهرها بدون ساکن ویران گردند، و خانه‌ها بی‌انسان شوند و زمین به کلی ویرانه گردد، و خداوند مردم را به دوردست‌ها ببرد و در میانه زمین متروکی بزرگی پدید آید. اما با این همه، ده یک در آن خواهد ماند و بازخواهد گشت، و خورده خواهد شد؛ همچون درخت تیل و نیز بلوط که هرگاه برگ‌های

خود را می‌ریزند، کُنده‌شان در آنها باقی می‌ماند؛ چنین نیز نسل مقدس کُنده آن خواهد بود. اشعیا  
۱۳۱:۶:۸.